

تظاهر در امر وکالت

ویژگیهای تظاهر در امر وکالت - انواع این تظاهرات
طرح اصلاحی و راههای مبارزه با آن

۱- مقدمه:

تظاهر در امر وکالت یکی از عناوین کیفری است که بموجب قانون جرم و مستوجب مجازات است، این پدیده کیفری سابقه زیادی نداشته و می‌توان گفت بعد از سال ۱۳۱۵ که سال تصویب قانون وکالت است و بموجب ماده ۵۵ آن جرم شناخته شده موجودیت یافته و خاصیت مجرمانه پیدا کرده و هم‌اکنون دامنه آن چنان وسعت یافته که جامعه وکالت را بطور جدی مورد تهدید قرار داده است. اگر جرائم دیگر خارج از حوزه قضائی شروع به فعالیت نموده و در دادگاههای دادگستری تحت تعقیب قرار می‌گیرند قانون اصلی فعالیت‌های این جرم دادگاه‌های دادگستری و دایره وابسته به آن می‌باشند و از عجایب آنکه با وجود گسترش روزافزون این پدیده مجرمانه مرتکبین آن کمتر در دام عدالت گرفتار می‌گردند. به تازگی تعدادی از بانکهای ایران در مقام رقابت با جامعه وکالت برآمده و به جای اینکه در کار اقتصادی به فعالیت پردازند به نوعی از وکالت تظاهر می‌نمایند که گوئی دست از فعالیت اقتصادی برداشته و به جای تجارت به وکالت رو آورده‌اند.

در این گفتار سعی خواهد شد ابتدا پیدایش این پدیده کیفری و ویژگیهای آن مورد بحث قرار گیرد آنگاه ارکان تشکیل‌دهنده آن جرم بیان شده و نحوه عمل مؤسسات و شرکت‌های تجاری که به این منظور تشکیل می‌گردند روشن شود و سرانجام طرح پیشنهادی جهت جلوگیری از کار متظاهرین در امر وکالت عرضه گردد و در خلال این گفتار سعی خواهد شد آرا و نظرات دادگاه‌های دادگستری به‌ویژه دیوان عالی کشور مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۲- پیدایش جرم تظاهر در امر وکالت:

چنانکه می‌دانیم به موجب ماده ۵۹ قانون آئین دادرسی مدنی وکلای متداعیین

باید دارای شرایطی باشند که به موجب قانون برای آنها مقرر است اینگونه مقررات بموجب قانون وکالت و آئین نامه های آن تعیین گردیده است. بنابراین اگر اصحاب دعوی بخواهند دعوای خود را در دادگاه های دادگستری شروع و یا تعقیب نمایند یا بایست شخصاً در مقام تقدیم دادخواست برآیند و یا اینکه انجام اینکار را به وکلای دادگستری محول سازند.

پاره ای از مردم و بخصوص بازرگانان به جای اینکه به وکیل دادگستری مراجعه کرده و یا شخصاً در مقام تقدیم دادخواست برآیند برای وصول وجه سفته یا چک و یا برات متوسل به افراد غروکیل شده و از این طریق در مقام احقاق حق خود برمی آمدند سهولت نقل و انتقال اینگونه اسناد تجاری کمک مؤثری در راه رسیدن به هدف آنها بوده، توضیح مطلب این که به موجب قسمت اول ماده ۲۴۷ قانون تجارت که می گوید (ظہرنویسی حاکی از انتقال برات است) بازرگانان به جای مراجعه به وکیل یا ظہرنویسی، اسناد را در اختیار شخص دیگری که در لسان ما «کارچاق کن» و یا متظاهر در امر وکالت است می گذاردند و آن شخص در مقام تقدیم دادخواست برمی آمد و دعوی را تعقیب می نمود و از این راه نیز درصدی نصیب خود می ساخت رفته رفته عده ای از سهولت انتقال و واگذاری اسناد سوءاستفاده کرده و باطناً به عنوان وکالت و ظاهراً در مقام واگذاری اسناد آنها را بخود انتقال داده و در مقام طرح دعوی برآمدند. چنین افرادی بدون این که صلاحیت وکالت دادگستری را داشته باشند عملاً به کار وکالت اشتغال داشتند و در بازار و مراکز تجاری جایی برای خود باز نمودند و دیگران را که جزئی اطلاعی در امر حقوقی داشتند به هوس انداختند تا جایی که در حال حاضر در شهر تهران تعداد آنها به صد نفر رسیده است که عملاً گروه خاصی از طبقات اجتماعی را تشکیل داده و هر روز بر وسعت عملیات خود می افزایند.

صرفنظر از این موضوع با گسترش مالکیت و نیاز جامعه به ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی عده ای در مقام تنظیم اساسنامه برآمده و با مراجعه به اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی مقدمات ثبت و تشکیل شرکتهای تجاری را برای دیگران فراهم می آورند و در این راه برخلاف مورد فوق که به اسم خود اقدام می نمایند واسطه افراد دیگر بوده و برای آنها شرکت های تجاری را به ثبت می رسانند که در واقع يك نوع کارچاق کنی و دخالت در کار دیگران محسوب می گردد.

اینگونه افراد برای ثبت شرکتها خود نیز به ثبت شرکتی اقدام نموده و تحت لوای شرکت به ثبت شرکتها و تنظیم اساسنامه ها و مشاوره در امر آنها اقدام می نمایند، چنین اشخاصی بدون اینکه در بازار تجارت کوچکترین داد و ستدی داشته باشند هر روز به دادگستری مراجعه کرده و دادخواست های زیادی را که مربوط به سفته و چک و برات می باشد، ثبت دفترکل دادگاه های شهرستان می نمایند. در حالیکه دیناری از این وجه مربوط به آنها نیست و ظاهراً چنین می نمایند که طلبکار هستند، بدون تردید الزامی شدن وکالت به کار آنها پایان خواهد داد.

ابهام قوانین و مقررات و عدم آگاهی و اطلاع مردم از آن و پیچیده بودن مسائل آئین دادرسی مدنی و بخصوص نبودن وکیل به اندازه کافی موجب گشته است که بازار کار اینگونه افراد رونق یابد.

۳- ارکان تشکیل دهنده جرم تظاهر در امر وکالت:

به استناد ماده ۵۵ قانون وکالت تظاهر در امر وکالت جرم و مستوجب مجازات است. ماده ۵۵ مذکور چنین است: «وکلائی معلق و اشخاص ممنوع الوکاله و به طور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد از هرگونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است اعم از اینکه عناوین تدلیس از قبیل مشاور حقوق و غیره اختیار کند یا اینکه به وسیله شرکت و سایر عقود یا عضویت در مؤسسات خود را اصیل دعوی قلمداد نماید متخلف از يك الی ششماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد» به شرح فوق ارکان تشکیل دهنده جرم تظاهر در امر وکالت به قرار زیر است:

۱- اشخاصی که حق تظاهر در امر وکالت ندارند

قانونگذار به وکلای معلق و اشخاص ممنوع الوکاله و بطور کلی هر شخصی را که دارای پروانه وکالت نباشد از هرگونه تظاهر و مداخله در امر وکالت ممنوع ساخته است پس شرط انجام وکالت، داشتن پروانه وکالت دادگستری است. وکلای معلق که به موجب حکم دادگاه در حال تعلیق به سر می برند و همچنین اشخاص ممنوع الوکاله حق وکالت در دادگستری را ندارند، اینکار برای حسن اجرای عدالت و احقاق حق مردم و پیشرفت صحیح دعاوی صورت می گیرد. تحصیلات در حد لیسانس، قبول شدن در اختبار و معروفیت به حسن اخلاق از جمله شرایط وکالت دادگستری است. قانونگذار برای کنترل اعمال وکلای دادگستری آنها را تحت نظارت دادرسی انتظامی کانون وکلا قرار داده است تا در صورت بروز تخلفات آنها را شدیداً مؤاخذه نماید. این کنترل باعث می گردد که به جز افراد واجد شرایط فرد دیگری نتواند به قلمرو وکالت تجاوز نماید و اموال مردم را دستخوش هوی و هوس خود قرار دهد.

۲- اعمالی که تظاهر در امر وکالت را محقق می دارد

قانونگذار اعمال زیر را دخالت در امر وکالت تلقی می نماید:

الف: هرگونه تظاهر و مداخله در امر وکالت.

ب: عنوان کردن اینکه شخص مشاور حقوقی است.

ج: اصیل دعوی قلمداد نمودن به وسیله شرکت یا عضویت در مؤسسات.

الف: همانطوری که در بند دوم بیان گردید عده ای از (کارچاق کن ها) و یا

(دلالان) با ظهرو نویسی اسناد تجاری خود را اصیل در دعوی تلقی نموده با تقدیم

دادخواست در مقام مطالبه وجه در دادگاه های دادگستری بر می آیند درست است که

واگذارنده در دادگاه ظاهر نمی‌شود و رد پائی باقی نمی‌گذارد لکن اگر به واقعیت مسئله توجه نمایم به این مسئله پی خواهیم برد که قراردادی که بین واگذارنده و دارنده اسناد تجاری تنظیم گردیده (ولو اینکه شفاهی باشد) براساس قرارداد وکالت می‌باشد. در صورت محکومیت خواننده و صدور اجرائیه و اخذ وجه از طرف خواهان (دارنده اسناد) مشارالیه عیناً آن را به اصیل (واگذارنده) می‌دهد منتها با کسر حق الوکاله و در صورتی که بنا به دلائلی وجهی وصول نشود وکیل (دارنده سند) عیناً اصل سند را به اصیل مسترد می‌دارد با این ترتیب معلوم می‌شود که مسئله واگذاری اسناد در بین نیست بلکه مسئله وکالت مطرح است و به این طریق شخصی که وکیل دادگستری نیست و پروانه وکالت ندارد عملاً کاری انجام می‌دهد که قانون آنرا منع نموده است. در مسائل کیفری ما به اشکال صوری توجه نداریم بلکه به قرارداد واقعی طرفین و نحوه عمل آن‌ها سروکار داریم هرچائی که هر فردی اعمال خود را به صورتی انجام دهد که یکی از قواعد و نظامات کیفری را زیر پا بگذارد قابل تعقیب و مجازات است، اگر برای بار اول و دوم با دیده اغماض بنگریم و مسئله وکالت را نادیده بگیریم تکرار این عمل از طرف اشخاص معین بدون اینکه مسئله خرید و فروش و مبادله واقعی اسناد در بین باشد جز تظاهر در امر وکالت به هیچ امر دیگری نمی‌تواند وابسته باشد. دادرهای دادگستری باید در موارد مشابه با شناسائی چنین افرادی آن‌ها را تحت تعقیب و مجازات قرار دهند، البته کانون وکلای دادگستری نیز که متضرر واقعی می‌باشد باید نهایت همکاری خود را با دادرها بنماید.

ب: تظاهر در امر وکالت جنبه کلی دارد و شامل تظاهر در امر مشاوره حقوقی نیز می‌باشد. می‌دانیم هر وکیل دادگستری در عین حال عنوان مشاور حقوقی نیز دارد و می‌تواند قبل از طرح دعوی در دادگاه‌های دادگستری در خصوص پیشرفت و یا عدم پیشرفت کار نظر خود را ارائه دهد و یا اینکه قبل از اقدام به امری که متضمن مسائل پیچیده حقوقی است دشواری‌های آینده و امکان برخورد با قوانین متعدد را مطرح ساخته راه حل مناسب را ارائه دهد؛ به عبارت دیگر کار مشاور حقوقی اینست که اقدامی نماید که ذینفع در دادگاه‌های دادگستری و مراجع اداری و قضائی سروکاری نداشته باشد و به چنین فردی مشاور حقوقی می‌گویند. کار مشاور حقوقی اگر مهمتر از وکالت دادگستری نباشد به طور حتم کمتر از آن نخواهد بود. قانونگذار برای پیشرفت کار مردم و اجرای صحیح آن به غیر از وکلای دادگستری به اشخاص دیگری اجازه نمی‌دهد که در مقام مشاوره حقوقی برآیند عمل شخصی که بدون پروانه وکالت مشاوره حقوقی می‌نماید، مانند شخصی است که بدون داشتن پروانه پزشکی می‌خواهد در مقام مداوای بیماران برآید. بنابراین اگر شخصی بدون اینکه دارای پروانه وکالت باشد خود را مشاور حقوقی قلمداد نماید تظاهر در امر وکالت نموده است، توضیح این مطلب ضروریست که با توجه به عبارت ماده معلوم می‌شود که مقصود قانونگذار جرم دانستن صرف مشاوره حقوقی

نیست بلکه مشاور حقوقی وقتی قابل تعقیب است که در طرح دعوی اقامه شده به اصیل کمک و مساعدت نماید و پرونده را تحت کنترل خود درآورد و مرتباً در جریان کار اصیل باشد، و از جمله دادخواست تنظیم نماید و لوایحی برای او بنویسد و در موقع اخذ توضیح در دادگاه موارد توضیح را برای او تقریر نماید و بدون آنکه امضائی از وی در پرونده منعکس گردد. به طور خلاصه اگر مشاوره حقوقی با طرح دعوی ارتباطی نداشته باشد عمل جرم نیست.

ج: یکی دیگر از مظاهر تظاهر در امر وکالت اصیل دعوی قلمداد نمودن به وسیله شرکت یا عضویت در مؤسسات و یا سایر عقود است. شخصی که فاقد پروانه وکالت دادگستری است، با انجام قرارداد خود را اصیل در دعوی قلمداد می نماید و در مقام تقدیم دادخواست و طرح دعوی در دادگاه های دادگستری برمی آید اینگونه اعمال را قانونگذار از جمله عناوین تدلیس به حساب می آورد و قابل مجازات می داند. چنین شخصی برای اینکه بتواند در دادگاه های دادگستری در مقام دفاع و تعقیب دعوی برآید به مدیریت عامل شرکتی انتخاب می شود و متعاقب آن کلیه اعمال حقوقی شرکت را به عهده می گیرد نیز مرتکب جرم تظاهر در امر وکالت گردیده است. بدیهی است تشخیص اصالت و عضویت واقعی از عضویت صوری بستگی به اوضاع و احوال و قرائن قضیه دارد. تاریخ شرکت، عضویت در مؤسسه و تاریخ ابتلاء مؤسسه به دعوی و یا شرکاء دیگر، فاصله بین تاریخ شرکت و عضویت و شروع به طرح دعوی و میزان سهم وکیل از جمله قرائن و شواهد امر به شمار می روند.

۳- موقعیت مؤسسات تجاری در برابر تظاهر در امر وکالت

توسعه روزافزون مؤسسات تجاری انتفاعی و ثبت اینگونه مؤسسات در اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی عده ای را متوجه این فکر نموده است که از طریق تشکیل مؤسسات می توانند در مقام تظاهر در امر وکالت برآیند و ثبت شرکت را سرپوشی برای اعمال غیرقانونی خود قرار دهند و کارهایی که افراد غیروکیل مجاز به انجام دادن آن نیستند انجام دهند شاید خیال می کنند که بزه تظاهر در امر وکالت اختصاص به شخص حقیقی دارد و شخص حقوقی مشمول آن نیست این فکر به مثابه آنست که عده ای جنایتکار دست به تأسیس مؤسسه ای بزنند و بعد از تأسیس اقدامات جنایتکارانه خود را به نام مؤسسه انجام دهند این طرز تفکر با مبانی حقوقی ما سازگار نیست و چنین برداشتی از مسئله برداشتی غیراصولی است. به این ترتیب هرگاه عده ای دست به تأسیس مؤسسه ای بزنند و تحت نام مؤسسه تظاهر در امر وکالت نمایند همه آنها مسئول بوده و به نام شرکای در جرم قابل تعقیب و مجازاتند. منتها باید به این نکته توجه داشت که مدیران مؤسسه در صورتی قابل تعقیب و مجازات هستند که وکیل دادگستری نباشند زیرا همانطور که وکلای دادگستری حق وکالت و مشاوره حقوقی دارند حق دارند اختیارات خود را در لوای

مؤسسه انجام دهند و هرگاه در بین مؤسسين مذکور تعدادی وکیل دادگستری و غیر وکیل دادگستری باشند منحصراً افراد غیر وکیل قابل تعقیب و مجازاتند.

در تاریخ ۵۲/۷/۴ مؤسسه‌ای تحت عنوان مؤسسه حقوقی دادستان تحت شماره ۱۴۲۴ در اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی به ثبت رسید و این اقدام مورد شکایت رئیس وقت کانون وکلای دادگستری قرار گرفت و پرونده در شعبه سوم بازپرسی تهران تعقیب گردید، آقای بازپرس رسیدگی کننده به این پرونده قراری به شرح زیر صادر نمود. در این پرونده آقای جلالی نائینی رئیس کانون وکلای دادگستری با ارسال فتوکپی آگهی تاسیس مؤسسه حقوقی دادستان اعلام داشته چون بنام مؤسسين آن پروانه وکالت صادر نشده و بالنتیجه تظاهر و مداخله در امر وکالت نموده‌اند طبق ماده ۵۵ قانون وکالت تعقیب گردند پس از ارجاع به این بازپرسی سوابق ثبت مؤسسه مذکور از اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی مطالبه و خلاصه آن که در پرونده کیفی منعکس گردیده است با عنایت به صدر اساسنامه مزبور که در آن قید شده مؤسسه حقوقی دادستان «قبول و انجام هر نوع دعاوی در دادگاه‌های عمومی و اختصاصی..... و سایر خدمات مندرج در اساسنامه را به وسیله وکلای ذی صلاحیت انجام خواهد داد. بنابراین اقدام و تاسیس مؤسسه‌ای بدینصورت و انجام خدمات مذکور و مندرج در اساسنامه آن در دادگاه‌های عمومی یا اختصاصی وسیله وکلای ذی صلاحیت برای مؤسسين آن احتیاج به پروانه وکالت از کانون وکلا و بالنتیجه تظاهر و دخالت در امر وکالت محسوب نیست و به علت عدم احراز وقوع بزهی قرار منع تعقیب به مؤسسين حقوقی دادستان صادر و اعلام می‌گردد».

کانون وکلای دادگستری بقرار منع تعقیب اعتراض نمود و شعبه ۵ دادگاه استان مرکز قرار مذکور را تأیید کرد. رأی شعبه ۵ دادگاه استان مرکز باین شرح است: «اعتراض کانون وکلای دادگستری به قرار منع تعقیب صادره از ناحیه آقای بازپرس وارد به نظر نمی‌رسد، زیرا با توجه به اساسنامه مشتکی‌عنه که صریحاً در آن ذکر شده خدمات مندرج در اساسنامه به وسیله وکلای ذی صلاحیت انجام خواهد گرفت و مصوبه ۴۰/۳/۱ هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری نیز نمی‌تواند نسبت به مؤسسين مشتکی‌عنه تسری داشته باشد، بنابراین عمل مؤسسين مذکور جرم نبوده با رد اعتراض شاکی قرار صادره از ناحیه آقای بازپرس نتیجتاً تأیید می‌گردد».

قرار فرجام پذیر است ۲

این قرار مورد شکایت فرجامی از طرف کانون وکلای دادگستری قرار گرفت و شعبه ۶ دیوان کشور قرار مذکور را فسخ و پرونده را جهت رسیدگی به شعبه دیگر دادگاه استان مرکز ارجاع نمود. رأی شعبه ۶ دیوان کشور به این شرح است:

۱) پرونده کلاسه ۵۳۶-۵۷/۳

۲) پرونده کلاسه ۱۸۲۸/۳۶ دادنامه شماره ۱۸۶۱

«نظر به اینکه ماده ۵۵ قانون وکالت به طور کلی تظاهر و مداخله در امر وکالت در دادگستری را ممنوع و برای متخلفین کیفر مقرر داشته و در آگهی مورد استناد کانون وکلای مؤسسين مؤسسه مورد نظر بدون هیچگونه توضیح خود را آماده برای قبول و انجام هر نوع طرح دعاوی در دادگاه های عمومی و اختصاصی معرفی نموده اند و در صورتیکه این امر مخصوص اشخاصی است که دارای پروانه وکالت می باشند و طبق گواهی کانون وکلا برای مؤسسين مزبور پروانه وکالت صادر نگردیده، لذا دادنامه فرجام خواسته که بر عدم وقوع جرم است نقض و رسیدگی به شعبه دیگر دادگاه استان مرکز رجوع می شود».

شعبه ۱۳ دادگاه استان مرکز که این بار بعد از اظهار نظر دیوان کشور به موضوع رسیدگی کرد و شایسته چنین بود که بر اساس نظر دیوان کشور مبادرت به صدور رأی نماید بدعت جدیدی بوجود آورد و به استدلال اینکه کانون وکلا سمتی برای اعتراض به قرار ندارد قرار رد اعتراض را صادر نمود. قرار مذکور به این شرح است: «صرف نظر از جرم بودن یا جرم نبودن عمل مشتکی عنه اعتراض کانون وکلای دادگستری به قرار بازپرس قابل رسیدگی در دادگاه استان نیست. زیرا حق اعتراض به قرار بازپرس از حقوق خاص هر متضرر از جرمی است که او امر بازپرس را مضیع حقوق و منافع خصوصی خود تشخیص دهد. در مانحن فیه کانون وکلای دادگستری که در واقع به منزله کانونی حرفه ای و شغلی است نمی تواند متضرر از جرم تلقی شود چه کانون وکلا در این قضیه ضرر مادی متحمل نشده است تا در مقام مطالبه جبران آن برآمده و بتواند طرح دعوی خصوصی بنماید، تصور ورود خسارت معنوی بر شخص حقوقی که کانون وکلای دادگستری از آن جمله است در این مورد منتفی است. در پرونده حاضر اعلام جرم کانون وکلای دادگستری را تنها می توان به منزله اعلام وقوع جرمی تلقی کرد که برای کشف بزه و تعقیب بزهکار و به منظور کمک و معاونت با دادستان که وظیفه دار تعقیب جنبه عمومی جرائم و حفظ نظم اجتماع است به نمایندگی کانون وکلای توان اجازه و حق داد که در بازپرسی حاضر شده و در جمع آوری ادله مجریان دستگاه کشف جرم و اجرای عدالت اجتماعی و قانون را یاری دهد که این امر در مرحله بازپرسی تحقق یافته است و چون قرار بازپرس مورد موافقت دادستان که حافظ منافع جامعه است واقع شده و تعقیب عمومی جرم خاتمه یافته است، لذا دیگر حیثیت خصوصی بزه عنوان شده باقی نمانده است تا مورد تعقیب واقع شود و فرض آنکه برای بزه تظاهر در وکالت حیثیت خصوصی قائل شویم حق تعقیب فقط برای شخص یا اشخاصی متصور است که از جرم متضرر شوند و تحمل خسارتی حال، مستقیم و قطعی را اثبات کند که وجود چنین خسارتی برای کانون وکلا قابل تصور نیست بنا به مراتب چون معترض به قرار فاقد وصف متضرر از جرم می باشد، لذا قرار رد اعتراض صادر می شود».

۳) پرونده کلاسه ۱۸۹/۵۴ دادنامه ۲۵۸ مورخ ۵۴/۳/۷

این حکم که برخلاف اصول قضائی صادر گردید مورد شکایت فرجامی قرار گرفت و شعبه تشخیص دیوان کشور به این شرح اظهار نظر کرد (قطع نظر از اینکه تظاهر در امر وکالت از ناحیه مؤسسه یا کسانی که پروانه وکالت ندارند موجب ضرر مادی وکلای است که حائز شرایط شناخته شده و پروانه وکالت تحصیل کرده‌اند و کانون وکلا نیز حافظ حقوق جامعه وکلاست در موضوع مورد بحث که صلاحیت کانون وکلا به اعتراض به قرار بازپرس حین رسیدگی در شعبه ۵ دادگاه استان مرکز رسیدگی و شعبه ۶ دیوان کشور به فرجام‌خواهی کانون از رأی دادگاه استان احراز گردید صدور قرار رد اعتراض از طرف شعبه ۱۳ دادگاه استان وجهه قانونی نداشته و رسیدگی مجدد به شعبه دیگر استان مرکز محول می‌شود) ۴.

شعبه ۱۳ دادگاه استان مرکز که این بار پرونده جهت رسیدگی به آن ارجاع گردید سرانجام حقانیت کانون وکلای دادگستری را مورد تأیید قرار داد و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی نمود:

همانطوریکه در رأی شعبه ۶ دیوان کشور استدلال شده مفهوم صریح ماده ۵۵ قانون وکالت به طور کلی تظاهر و مداخله در امر وکالت را بدون داشتن پروانه وکالت به هر نحوی که باشد جرم دانسته، و برای آن مجازات تعیین نموده است و نظر به اینکه در آگهی مورد استناد کانون وکلا مؤسسين مؤسسه دادستان بدون هیچگونه توضیح خود را آماده برای قبول و انجام هر نوع طرح دعاوی در دادگاه‌های عمومی و اختصاصی معرفی نموده‌اند و نظر به اینکه طبق گواهی کانون وکلا برای مؤسسين مزبور پروانه وکالت صادر نگردیده، علیهذا قرار منع تعقیب صادره به نظر دادگاه مخدوش است و ضمن فسخ آن مقرر می‌گردد پرونده جهت رسیدگی و تعقیب کیفری مؤسسين مزبور به دادسرای تهران ارسال شود. ۵.

۴- وضع شرکتهای سهامی و با مسئولیت محدود در برابر تظاهر در امر وکالت: متظاهرين در امر وکالت برای پیشبرد هدف‌های خود از هرگونه وسایل ممکن استفاده می‌نمایند گوئی هیچ امری را سد راه خود نمی‌بینند و همانطوریکه بارها اشاره شد اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی را سپر خود قرار داده و آن را دلیل موجه اعمال خود می‌دانند، طرز عمل آن‌ها به این ترتیب است که شرکت سهامی (معمولا سهامی خاص) تشکیل داده و سهامداران آن تعدادی از وکلای دادگستری و افراد غیروکیل می‌باشند گاهی نیز سهامداران و مؤسسين کلا افراد غیروکیل دادگستری هستند و در موضوع شرکت ضمن موضوعات دیگر مشاوره حقوقی و انجام وکالت دادگستری را نیز قید می‌نمایند همانطوریکه در مباحث پیش گفته شد و آراء دیوان کشور نیز مؤید آن بود در چنین صورتی بزه تظاهر در امر وکالت کاملا تحقق می‌یابد و مدیران آن شرکت در صورتیکه وکیل دادگستری نباشند قابل

۴) هیئت دوم تشخیص پرونده کلاسه ۱۴/۱۹۶۵
۵) پرونده ۴۹/۳۶ دادنامه ۱۳۳ مورخ ۳۶/۲/۱۱

تعقیب و مجازات خواهند بود، زیرا امری که باعث تحقق جرم است تظاهر در امر وکالت است و این تظاهر می‌تواند مستقیماً از طرف شخص غیروکیل دادگستری اعمال گردد و یا به وسیله شرکت سهامی خاص که مدیران آن شرکت تصمیمات لازم را در این خصوص اعمال می‌نمایند.

به تازگی اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی در موقع ثبت مؤسسات حقوقی مراتب را از کانون وکلای دادگستری استعلام می‌نماید و بعد از پاسخ و روشن شدن اینکه مؤسسين وکلای دادگستری هستند مبادرت به ثبت آن می‌نماید، لکن در مورد شرکت‌های سهامی کنترلی ندارد. بخصوص موقعی که مؤسسين با ظرافت خاصی انجام مشاوره حقوقی یا وکالت دادگستری را ضمن موضوع شرکت بگنجانند و یا در موقع انعقاد مجمع عمومی فوق‌العاده اساسنامه خود را اصلاح نموده و موارد اصلاح را موضوعات مشاوره حقوقی و یا انجام وکالت دادگستری قید نمایند. در هر صورت هرگاه شرکت سهامی خاص تشکیل گردد و مدیران آن غیروکلای دادگستری باشند و موضوع شرکت را انجام وکالت دادگستری قرار دهند مرتکب جرم تظاهر در امر وکالت می‌گردند. شرکت با مسئولیت محدودی که به ترتیب فوق تشکیل گردد نیز مشمول جرم تظاهر در امر وکالت می‌شود.

۵- جرم تظاهر در امر وکالت جنبه عمومی دارد:

با توجه به ماده ۵۵ قانون وکالت معلوم می‌گردد که جرم تظاهر در امر وکالت جنبه عمومی دارد و گذشت شاکی یا مدعی خصوصی تأییری در این امر نمی‌تواند داشته باشد و به محض اعلام شکایت از ناحیه هرکس که باشد دادسرا را موظف به رسیدگی خواهد نمود.

۶- متضرر از جرم تظاهر در امر وکالت کیست؟

از جنبه عمومی بودن جرم تظاهر در امر وکالت نباید چنین نتیجه گرفت که اعلام‌کننده متضرر از جرم نیز می‌باشد و می‌تواند به پیروی از کیفرخواست دادستان در مقام تقدیم دادخواست ضرر و زیان خود برآید. در جرم تظاهر در امر وکالت دو نوع متضرر و زیان‌دیده مشاهده می‌شود نوع اول آن، نوع زیان‌دیده‌ایست که مستقیماً و بلاواسطه در معرض خسارات قرار گرفته با این تعبیر کسی که خیال می‌کرده شخص موردنظر که به او متوسل گردیده وکیل دادگستری و دارای پروانه وکالت است و می‌تواند در دادگاه‌های دادگستری از حقوق وی دفاع نماید در حالیکه بعداً متوجه شده چنین شخصی پروانه وکالت نداشته و از این راه به‌عنوان مختلف در مقام بدست آوردن پول برآمده است و باعث گردیده در اثر ندانم‌کاری و یا افعال خسارات زیادی به وی وارد نماید. این شخص بدون تردید متضرر از جرم است و می‌تواند به‌عنوان شاکی متهم را تعقیب نماید و به پیروی از کیفرخواست دادستان در دادگاه چنانچه مطالبه خسارت کند.

نوع دوم: صلاحیت عام و کلی کانون وکلای دادگستری است که باید در هر مقام و مرجع به‌عنوان زیان‌دیده از جرم برآمده و مطالبه خسارت کند.

بهموجب ماده ۱- لایحه استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۲ کانون وکلای دادگستری مؤسسه‌ایست مستقل و دارای شخصیت حقوقی، و بهموجب قسمت اخیر ماده ۲ همان لایحه هیئت مدیره عهده‌دار اداره امور مربوط به کانون بوده و رئیس هیئت‌مدیره ریاست کانون را دارد و نماینده قانونی کانون وکلا در کلیه مراجع رسمی است و رئیس کانون کلیه اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام خواهد داد. بنابراین با نظارت و کنترل که قانون در اختیار کانون وکلای دادگستری قرار داده به‌وی حق می‌دهد ناظر به‌اعمالی باشد که حیثیت و شئون اجتماعی و حرفه‌ای وکلای دادگستری را در معرض تهدید و خدشه قرار می‌دهد و هرکجا که مشاهده کند موجبات بی‌حرمتی نسبت به‌جامعه وکالت فراهم گردیده است در مقام شکایت و اعلام جرم برآید این همان موضوعی است که در شعبه تشخیص دیوان کشور (که سابقاً به آن اشاره کردیم) به‌صراحت بیان گردیده است و جای تردیدی باقی نگذاشته است.

۷- مجازات جرم تظاهر در امر وکالت:

مجازات جرم تظاهر در امر وکالت بااستناد ماده ۵۵ قانون وکالت يك الى شش ماه حبس جنحه‌ای است. از آنجائیکه ماده ۱۱ قانون مجازات عمومی مصوب خردادماه ۵۲ که می‌گوید (..... هرگاه حداکثر مجازات بیش از ۶۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه منخیر است که حکم به‌بیش از دوامه حبس یا جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال تا ۳۰۰۰۰ ریال بدهد....) قلت مجازات نسبت به‌کسانیکه تظاهر در امر وکالت می‌نمایند مشاهده می‌شود جا دارد تجدیدنظر کلی در میزان مجازات نسبت به‌اینگونه جرائم به‌عمل آید. اهمیت موضوع بیشتر از این نظر جلب توجه خواهد نمود که در صورت تعیین مجازات به‌جزای نقدی مجرمین در معرض تکرار جرم قرار نمی‌گیرند (ماده ۲۴ قانون مجازات عمومی سال ۵۲) و با خیال راحت اعمال مجرمانه خود را تکرار می‌کنند و ترسی از این نظر به‌خود راه نمی‌دهند.

۸- طرح پیشنهادی جهت مبارزه با بزه تظاهر در امر وکالت:

یکی از راه‌های مبارزه با بزه تظاهر در امر وکالت الزامی شدن وکالت دادگستری می‌باشد. برای اینکار راه‌های زیادی نباید پیمود، زیرا قانون الزامی شدن وکالت در دادگاه‌های دادگستری متجاوز از یکسال است که به‌تصویب مجلسین رسیده و لازم‌الاجراء شده است منتها این قانون نیاز به‌اعلام وزیر دادگستری دارد تا در نقاطی که خود تشخیص می‌دهد الزامی شدن وکالت عملی گردد. بدیهی است با الزامی شدن آن دست متظهران در امر وکالت از دادگاه‌های دادگستری تا حدی کوتاه خواهد شد نه به‌طور کامل زیرا ماده ۳۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین

دادگستری معسوب تیرماه سال ۵۶ به وزیر دادگستری اجازه داده است که (در نقاطی که وزارت دادگستری اعلام کند اقامه تمام یا بعضی از دعاوی حقوقی و نیز شکایت از آراء و دفاع از آنها در دادگاه‌های دادگستری با دخالت وکیل دادگستری خواهد بود....)

بنابراین با فرض الزامی شدن وکالت از طرح پیشنهادی بی‌نیاز نمی‌گردیم و باید در راه چاره آن باشیم. اهم مسائلی که به‌عنوان طرح پیشنهادی ارائه می‌گردد به شرح زیر است:

۱- در مورد شرکت‌های سهامی خاص یا عام و شرکت‌های با مسئولیت محدود و مؤسسات:

الف: برای جلوگیری از کار متظاهران در امر وکالت باید به موجب قانون نظارت کانون وکلای دادگستری در شرکت‌های سهامی خاص یا عام و یا با مسئولیت محدود و مؤسسات و به‌طور کلی شرکت‌های مندرج در قانون تجارت پذیرفته شود. این نظارت باید به این ترتیب باشد که شرکت‌هایی که موضوع آنها قبول وکالت دادگستری و مشاوره درباره آنهاست با اجازه کانون وکلای دادگستری باشد به طوری که سهامداران و دارندگان سهم‌الشرکه و مدیران منحصرأ از وکلای دادگستری باشند و نقل و انتقال اینگونه سهام و سهم‌الشرکه به غیر وکلای دادگستری ممنوع گردد.

ب: برای شرکت‌هایی که سابقاً تشکیل گردیده و موضوع آنها انجام وکالت دادگستری است مهلت معقولی در نظر گرفته شود تا موضوع شرکت خود را با مقررات جدید منطبق سازند.

ج: مراجعه به اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی جهت ثبت شرکت و هرگونه اقدامی که بعد از ثبت شرکت از قبیل ازدیاد سرمایه و تغییر موادی چند از اساسنامه و غیره لازم شود توسط وکیل دادگستری انجام یابد و بدون دخالت وکیل اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی هیچگونه تقاضائی را در این خصوص نپذیرد.

د: مدیران شرکت‌های تجارتنی (از هر قبیل) و مؤسسات حق اقامه دعوی و پاسخ‌گویی به دعوی اعم از اینکه موضوع آن حقوقی باشد یا کیفری نداشته باشند و این کار منحصرأ توسط وکلای دادگستری انجام پذیرد.

۶) اصولاً باید باین نکته توجه داشت که در شرکت‌های تجاری یا مؤسساتی که دارای شخصیت حقوقی هستند این شخصیت حقوقی چگونه قادر است از حقوق موکلین خود دفاع نماید در -بالیکه مدیرعامل آن فاقد پروانه وکالت دادگستری است، اگر بمدیرعامل که نماینده شخصیت حقوقی است اجازه طرح دعوی داده شود نتیجتاً به شخص حقیقی فاقد صلاحیت اجازه وکالت دادگستری داده شده است. زیرا قانون چنین می‌پندارد که وکیل دادگستری وقتی که در مقام طرح دعوی و پاسخ‌گویی از آن برمی‌آید باید واجد خصوصیت‌هایی باشد که بتواند منافع موکل خود را حفظ کند، پس چگونه انتظار داریم مدیرعامل شرکتی که میلیاردها ریال سرمایه مردم را در اختیار دارد بتواند در مقام دفاع از موکلین خود (سهامداران و دارندگان سهم‌الشرکه) برآید. آیا اگر -

ه: شرکت‌ها و مؤسسات حقوقی که بدون اجازه مخصوص کانون وکلاء تشکیل می‌شوند مدیران آن‌ها قابل تعقیب بوده و با صدور کیفرخواست آن شرکت یا مؤسسه منحل شده محسوب گردد.

۲- در مورد افراد و اشخاص حقیقی:

الف: به‌طور کلی ماده ۵۵ قانون وکالت جوابگوی احتیاجات امروزی جامعه وکالت نیست و باید در متن آن تجدیدنظر کلی به‌عمل آید.

ب: تظاهر و هر نوع مداخله و مشاوره حقوقی در امر وکالت ممنوع اعلام گردد به‌طوری که وکلای معلق و اشخاص ممنوع‌الوکاله و هر شخصی که فاقد پروانه وکالت است حق نداشته باشد هیچ نوع مشاوره و یا مداخله‌ای در امر وکالت دادگستری انجام دهد.

ج: مداخله و مشاوره افراد غیروکیل در امر تشکیل شرکت و ثبت آن و اقدامات اداری بعد از آن جرم و مستوجب تعقیب باشد.

د: مجازات متظاهران در امر وکالت از صورت فعلی (یک الی ۶ ماه حبس تأدیبی) خارج شود و مجازات سنگین‌تری برای آن در نظر گرفته شود.

ه: وکلای دادگستری که به‌هر نحوی از انحاء با متظاهران در امر وکالت همکاری می‌نمایند مجازات سختی از نظر انتظامی برای آن‌ها در نظر گرفته شود که مانع تعقیب از نظر جنبه کلی جرم نشود.

و: کانون وکلای دادگستری حق داشته باشد در هر موردی که مشاهده نماید جرم تظاهر در امر وکالت تحقق یافته به‌عنوان شاکی و متضرر از جرم به‌مراجع قضائی شکایت کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

→ در طرح دعوی و پاسخ‌گویی آن اشتباهی مرتکب گردد که ناشی از عدم اطلاع وی به مجموعه قوانین موضوعه مملکتی است به‌موکلین خود خیانت نموده است؟ و شرکت‌دار در معرض ورشکستگی قرار نداده است؟ نتیجه این کار سلب اعتماد مردم از وجود شرکت‌ها و مؤسساتی خواهد بود که ندانسته سرمایه خود را به‌در می‌دهند و قانون نیز عالماً شاهد این چپاولگری است.